



Latin America & Caribbean Islamic Studies

— Newsletter —

[Interview] “Spotlight on John Tofik Karam: Manifold Destiny”

[Interview and Review] Ken Chitwood

Source: *Latin America and Caribbean Islamic Studies Newsletter*, Vol. 3, No. 1. (November 2022), pp. 1-11.

[مصاحبه] روایتی جذاب از توفیق کرم: سرنوشت چندگانه

[مصاحبه و بازنگری توسط] کن چیت وود

منبع: روزنامه مطالعات اسلامی آمریکای لاتین و کاراییب، شماره ۱، نوامبر ۲۰۲۲، صفحات ۱۱-۱

روایتی جذاب از جان توفیق کرم: سرنوشت چندگانه

مصاحبه و بازنگری از کن چیت وود

همانطور که مانوئل واسکز (Manuel Vásques) و ماری فریدمن مارکواریت (Marie Friedmann) (Marquardt) گفته اند، در مرز بین کشورهای فضا‌هایی بینابینی حاکم است (2003). ساکنین در سرزمین‌های مرزی، دوگانگی مخرب ناشی از تعلق ناقص به دوطرف مرز را بطور دایم تجربه می‌کنند. به عبارت دیگر مردم ساکن در نقطه تلاقی بین مرزها ناگزیر به تحمل مواضع چندگانه‌ای اعم از مذهبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی می‌شوند. اعراب ساکن در منطقه سه مرزی (Tres Fribteuras or Fronteras) معروف به مرزهای سه گانه در آمریکای لاتین دچار این موقعیت هستند. منطقه مرزی مورد بحث در محل تلاقی رودخانه‌های ایگوازو (Iguazú) و پارانا (Paraná) است که آرژانتین، برزیل و پاراگوئه را از هم جدا می‌کند. اعراب ساکن در این منطقه در عین حالی که عمیقاً در جوامع محلی مانند سایر ساکنان شهرهای پورتو ایگواسو (Puerto Iguazú) در آرژانتین، فوز د ایگواسو (Foz de Iguazu) در برزیل و سیوداد دل استه (Ciudad del este) در پاراگوئه ریشه دوانده‌اند و از نظر مالی موفق بوده‌اند ولی پیوندهای خود را با مناطقی مانند دره بقاع در لبنان حفظ کرده و به همین علت تحت نظارت و تجسس و سوء ظن قرار گرفته‌اند. آنها برای بقای زندگی خود از طریق انتلاف و یا مخالفت علیه صاحبان قدرت تلاش زیادی کرده اند. بهر حال، آنطور که جان توفیق کرم در کتاب "سرنوشت چندگانه: اعراب در چهارراه آمریکایی حاکمیت استثنایی"، می‌نویسد اعراب این منطقه با تحمل و بردباری به نیمکره ای آمریکایی که زمانی قدرت ایالات متحده در آن تقدیر بارز بود، حیات بخشیده اند. تاریخ زندگی اعراب منطقه در دهه‌های اخیر، حاکی از اینستکه اعراب منطقه همانطور که کرم آنرا "سرنوشت چندگانه" توصیف کرده از یکطرف با حاکمیت استثنایی نظام‌های چندگانه کنار آمدند و از سوی دیگر ارتباطات و وابستگی های خود را در این نیمکره آمریکایی ایجاد کردند. (ص 201)

کرم در اثر قوم‌نگاری عالمانه و استادانه خود نشان می‌دهد که چگونه زندگی اعراب در منطقه سه مرزی مذکور باعث دگرگونی درک کنونی ما از مفاهیمی مانند مرزها، جهان اسلام، برزیل، آمریکای لاتین، قاره آمریکا، خاورمیانه ی فراملی و امپراتوری آمریکا می‌شود. کرم چگونگی کنار آمدن اعراب با، وضعیت استثنایی زندگی میان سه کشور رقیب برزیل، پاراگوئه و آرژانتین و همپوشانی دستورات سیاسی، اجتماعی و نظامی آنها را به تصویر می‌کشد (ص ۲-۹). او بر پروژه‌های فراملی، بنگاه های اقتصادی و همچنین ابتکارات سیاسی، فرهنگی و مذهبی این مردم که دایم مرزهای ملی را در می‌نوردد تمرکز دارد. بخصوص، کرم در تلاش برای یافتن راز نهفته ایستکه اعراب چگونه "یک آمریکای شبه فرعی" را در این نیمکره برپا داشته اند که نه تنها با نفوذ آمریکا ایجاد نشده بلکه از نفوذ آمریکاهم در امان مانده است. (ص 10) کار کرم با تکیه بر گنجینه ای از مصاحبه های مفصل با اشخاص محلی در اطراف هر سه مرز که طی سالهای متمادی جمع آوری شده است، ساختار دقیقی برای فهم خواننده فراهم می‌کند تا معنای زندگی در کشورهای آمریکایی جنگی، نامطمئن و با تجارت آزاد، را درک کند، (ص 3)

به عنوان مثال، در فصل سه تحت عنوان "آزمون ایمان"، کرم کشف کرده است که منظور دانشمندان علوم سیاسی اولیویه روی (Olivier Roy) از "مرز جدید امت فرضی" در این نیمکره ای که هنوز با یهودستیزی دست و پنجه نرم می‌کند به چه معناست (ص 86). کرم توضیح می‌دهد که بمبگذاری سفارت اسرائیل در بوئنوس آیرس در مارس 1992 و بمب گذاری در مرکز جامعه یهودیان در ژوئیه 1994، پایتخت آرژانتین و عواقب آن، چگونه مسلمانان عرب را تحت عنوان باصطلاح " مبارزه با تروریسم" هدف قرار داد (ص 87). در این رابطه آثار دیگری هم وجود دارد از جمله کار خودم که به تحلیل لفاظی‌ها علیه "اعراب در مرزها" بعد از حادثه 11 سپتامبر و "جنگ علیه ترور" پرداخته ام (نگاه کنید به چیتوود، 2021، صفحات 151-180)، اما کار کرم سه نکته مهم در این رابطه را یادآوری می‌کند.

اول اینکه گفتمان حاکم بر زندگی اعراب در منطقه سه مرزی و منطق تجسس در مورد آنها در پرتورویادهای محلی (مثلا بمب گذاری های دهه 1990) و بخصوص اعمال قدرت دولتی در آرژانتین، برزیل و به ویژه پاراگوئه بهتر قابل فهم است. تاکید کرم بر تمرکز تحلیل بر سطح منطقه‌ای کمک بیشتری به درک وضعیت زندگی روزمره اعراب در زمانیکه منطقه سه‌مرزی به غار تروریست ها (cueva de terroristas) (ص 112) معروف شد، کمک بیشتری می‌کند. بخصوص اینکه در آن زمان ایالات متحده در حاشیه باقی ماند و بعدا نقش بزرگ تری در دهه 2000 ایفا کرد (مراجعه کنید به فصل 5: "شروع جنگ بدون پایان"). دوم، اینکه این تمرکز منطقه ای اجازه می‌دهد تا دیدگاه جدیدی در مورد امت جهانی اسلام و ادعاهای شیعیان و سنیها در محوریت خود شان بیابیم. زیرا ما معمولاً برای درک ادعاهای متقابل سنی/شیعه در نقش محوریشان در امت اسلام، به جوامع مسلمان در خاورمیانه، آسیا یا آفریقا رجوع می‌کنیم. در حالیکه نمونه های کرم از مسلمانان عرب در منطقه سه مرزی نشان میدهد که این مسلمانان چگونه توانسته‌اند امتی را تشکیل بدهند که بیانگر میراث مشترکی برای هر دو شعبه سنی و شیعه بوده و اشکال جدیدی از هویت، وحدت و تفاوت مسلمانی را آفریده است (ص 101). او در زمینه وجود خشونت و اختلال موجود در داخل و خارج میان این دو جریان نشان می‌دهد که چگونه باید قضایا را با دید وسیعتری دید تا ماهیت جهانی انشعابات سنی/شیعه (ص 87) و تلاش آنها برای اتحاد یا جهان گرایی در کل امت را بهتر درک کرد. کرم منطقه سه مرزی را "امت اسلامی آمریکا" یا "چهارراه نیمکره ای یک امت اسلامی" می‌نامد (ص 105). یعنی منطقه ای که کرم توصیف می‌کند نمونه یا ماکتی است در داخل چارچوب شبکه ای چند لایه و در مقیاسی بزرگتر که من با اغماض آنرا "اسلام جهانی" می‌نامم (Chitwood 2021, p. 14). سوم و در رابطه با مطلب گذشته کرم به شرح چگونگی مقاومت مسلمانان عرب در برابر فشارهای ناشی از افزایش نظارت دولتی اعم از همکاری و مقابله با مقامات دولتی می‌پردازد. او به توضیح پروژه های ساخت مسجد، جشن های تعطیلات و همکاریهایی دیگری می‌پردازد که مسلمانان امید داشتند به پذیرش آنها در جامعه بیانجامد. از جمله اینکه اعراب مسلمان برای احترام به آداب و رسوم مردم برزیل با سنت زیارت اهل قبور (Dia de Finados) در برزیل هماهنگ شدند که مورد استقبال شهروندان هم قرار گرفت. (ص 103) این موارد که بوسیله ترکیبی از عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به ثمر رسیده و البته در مقابله با مجموعه حوادث خشونت آمیز در آرژانتین و چند دهه متعاقب آن صورت گرفته، باید برای کسانی که به دنبال نمونه ای از تفسیر پذیری و ترکیبی بودن اسلام در آمریکا هستند کافی باشد.

در فصل چهارم این کتاب تحت عنوان: "امنیت تجارت آزاد"، کرم علاوه بر تحلیل ماهیت زندگی فرامنطقه ای و گسترده اعراب در منطقه سه مرزی، محدودیتهای مرزی و نیمکره ای، به فشار قرارداد های تجاری میان کشورها بر زندگی ساکنان عرب اشاره دارد. او با نگاهی به چگونگی تأسیس مرکوسور (Mercusor) - بازار مشترک جنوبی که با معاهده آسونسیون (Asunción) در سال 1991 و پروتکل اورو پرتو (Ouro Preto) در سال 1994 ایجاد شد - به بررسی تاثیرات تحدیدی آن را بر تجارت اعراب منطقه

و مشاغل آنها در سالهای بعد می پردازد. بنظر کرم در واقع نوعی جامعه "امنیت تجارت ابتدایی" با پیمان بین آرژانتین، برزیل، پاراگوئه و اروگوئه (همراه با کشورهای مرتبط مانند بولیوی، شیلی، کلمبیا، اکوادور، گویان، پرو و سورینام) برقرار شد بدون اینکه فعالیتهای تجاری فرامرزی اعراب منطقه در آن دیده شود (ص 119). علاوه بر آن، این سازوکار برای نظارت و سرکوب اعراب از طریق سیستم «تجارت آزاد» هم به کار گرفته شد. کرم می نویسد در روند اجرای مرکوسور، قواعد لیبرال دمکراتیک تجارت را در مورد مراوده با اعراب اجرا نمی شد (ص 138). اضطرابی که توسط این پیمان و عملیات شبکه برزیل (Rede Brasil) (ص 139 به بعد) آن بر اعراب مستولی شده بود، همراه ترس وحشتناکی که پس از قتل رهبر محلی تجارت عرب، حسین تایجن در سیوداد دل استنه (ciudad del Este) در نوامبر 1998 (ص 142-143)، بر آنها سایه افکنده بود، احساس ناامنی و آزار و اذیت در اعراب منطقه را تشدید کرد. با این حال، کرم نشان می دهد که چگونه آنها بلاخره باتمهداتی خود را در این پیمان تجارت آزاد جا دادند. (118) مثلا برخی از اعراب مراقبت بیشتری در جریان سرمایه گذاری نقدی خود اعمال کردند و در پروژه هایی مانند باشگاه کشوری پارانا در سیوداد دل استنه ی پاراگوئه مشغول شدند تا سوظن جوامع امنیتی را هم در مرکوسور و هم در آمریکا از بین ببرند (ص 130).

همچنین بنظر می رسد همین نوع تحلیل دقیق و ظریف درباره تأثیرات محلی، منطقه ای، نیمکره ای و نظامهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فراملی است که کتاب کرم را واقعا ستودنی کرده است. برای جامعه متعهد به مطالعه اسلام و جوامع مسلمان در آمریکای لاتین و کارائیب واضح است که همه پدیده ها در جوامع تحت تأثیر عوامل محلی و همینطور عوامل جهانی واقع می شوند. از اینرو به تصویر کشیدن نقاط همپوشانی و تلاقی تأثیرات مکانها، افراد، محلات، جنبش ها، ایده ها و تکنولوژی ها بر پدیده ها در این نیمکره امریکایی بسیار مهم است. کتاب کرم از این لحاظ بیانگر بهترین پژوهش در این زمینه است. زیرا گزارشی غنی، حکیمانه و دقیق از زندگی اعراب در سراسر منطقه مرزی، و تحت تأثیر سیاست نظامهای مختلف بلحاظ شکل و اندازه رابرای ما فراهم می آورد. کرم در کتاب سرنوشت چندلایه (Manifold Destiny) در عین اطلاع از تأثیر ارتباطات، مبادلات و قدرت امپریالیستی ایالات متحده که هنوز در سراسر نیمکره و فراتر از آن سایه افکنده، اهمیت محوری ایالات متحده را در درک ما از اسلام در قاره آمریکا کاهش می دهد. علاوه بر این، کرم به همراه تبیین مناسب قدرت (نئو) امپراتوری ایالات متحده در منطقه، مطالعات خاورمیانه، مطالعات آمریکا، مطالعات برزیل، و مطالعات آمریکای لاتین را هم با آن جمع می کند تا توجه ما را بجای تمرکز بر عملکرد مثبت یا منفی اعراب در مرز، به سمت انواع مستثنیات دولتی ببرد که اعراب و دیگران باید با آنها کنار می آمدند و هنوز هم ادامه دارد (ص 204) به عبارت دیگر، نشان می دهد اعراب چگونه حاکمیت استثنایی مخصوص مرز را در زندگی روزمره مدیریت (ص 211) و با وجود زندگی در شرایط ناپایدار، با درک بدیع خود از نیمکره آمریکایی معاصر، به قهرمانان هدفمندی بدل می شوند (ص 202).

در مصاحبه ای که در ادامه می آید از کرم خواهش می کنم برخی از این نکات را بیشتر توضیح بدهد و به برخی از سوالاتی که ممکن است به خصوص مربوط به انجمن LACISA باشد، پردازد.

چیت وود: ابتدا کمی در مورد اینکه کار خود را چطور در چارچوب این خبرنامه که بر گذشته و حال جوامع مسلمان آمریکای لاتین و کارائیب متمرکز شده می بینید؟

توفیق کرم: من فکر می‌کنم ما در زمینه ای مشترک اما برای محصولی متفاوت کار می‌کنیم. زیرا بسته به مخاطبانم در مصاحبه‌ها گاهی زمینه مطالعه خودم را اعراب و مسلمانان در آمریکای لاتین و کارائیب می‌بینم. بنظرم، این ساختار با کشمکش تاریخی اعراب برای تثبیت خود در مطالعات قومی و بخصوص تلاش آنها برای رفع کژ فهمی دیگران از اعراب قابل جمع است. بنابراین در عصر حاضر همانند گذشته مفید و مهم است که پروژه‌هایی دانشگاهی در ذیل اصطلاحات رشته‌های تحصیلی با رویکرد عمومی تعریف شود و علاوه بر آن برنامه‌های مطالعاتی مجزایی هم برای روایت از گروه‌های خاص تعریف شود که روایت زندگی آنها مختصر، تحریف و یا اصلاً دیده نشده است. البته خطر انجام چنین مطالعاتی این است که برخی تحقیقات ما را به بهانه عدم اتکای کافی به تئوری نادیده بگیرند. اما نگاهی به سرنوشت حوزه‌های جدید تحقیق میان رشته‌ای نگرانی ما را کاهش می‌دهد. این حوزه‌ها مدت‌ها پیش علیرغم بی‌اعتنایی جریان اصلی پژوهش، درباره تفاوت خاص خود با ملاک‌های عمومی و جهانی پژوهش ادعاهایی مشابه مطالعات ما مطرح کرده‌اند. هرچه تعداد دانشمندان که به این روش‌ها و راه‌های دیگر کار می‌کنند افزایش یابد، زمینه کاری ما می‌تواند مشروعیت بیشتری کسب کند. اجازه دهید مثال کوتاهی بزنم که بدانید چقدر مشروعیت مادر حدود سال 2002، یعنی زمانی که پایان نامه ام را می‌نوشتم نسبت به وضعیت کنونی کم بود. من در پی درخواست برای شغلی کمی به رئیس کالج هنرهای لیبرال کوچکی در شمال شرقی ایالات متحده معرفی شده بودم. بعد از اینکه یکی از همکاران متوجه موضوع تحقیقات من درباره "اعراب برزیل" شد، رئیس کالج رو به من کرد و پرسید: "برای پایان نامه با چند نفر مصاحبه کردید ۵ یا ۶ نفر؟" و من البته پاسخ دادم که برآوردهای اصلی بیانگر سکونت میلیون‌ها نفر عرب در برزیل است. اما اکنون با ایجاد حجم وسیعی از آثار نقادانه از طریق شبکه‌هایی مانند LACISA وضعیت رو به بهبودی رفته است.

توجه من به بحث گذشته و حال مسلمانان آمریکای لاتین و دریای کارائیب زمانی بیشتر شد که دکتر سعادت یوسف (Suad Jpseph) و تیمش در حدود سال ۲۰۰۵ از من خواستند تا مقدمه‌ای برای مجموعه "دایره المعارف زنان و فرهنگ‌های اسلامی" (Encyclopeica of Women and Islamic Cultures) آنها بنویسم. من در آن موقع با تخصص در مسایل برزیل، تنها تا حدودی با حضور مسلمانان آفریقایی، عمدتاً از دریچه شورش 1835 که به خانه (malê) معروف است، آشنایی داشتم. بخاطر مجموعه دایره المعارفی که دکتر یوسف بنا نهاد، مشغول مطالعه نظامندی شدم که فراتر از روند‌های مهاجرت مسلمانان عرب و موضوع پایان نامه و کتاب اولم بود. اندکی بعد به دپارتمان مطالعات آمریکای لاتین و مطالعات لاتینی در دانشگاه دپال (De Paul)، پیوستم و همکارانم در آنجا از نوع رویکرد فرامنطقه‌ای من به ایده آمریکای لاتین استقبال کردند. دکتر لوردز تورس (Lourdes Torres) مدیر وقت مطالعات آمریکای لاتین و مطالعات لاتینی، از کلاس‌های آموزشی در مورد اعراب در ایالات متحده و در سراسر قاره آمریکا حمایت کرد. دکتر آمینه مک کلود (Aminah McCloud) مدیر وقت برنامه مطالعات جهان اسلام هم از کلاس آموزشی من در مورد تاریخ مسلمانان در آمریکای لاتین کارائیب، و لاتینی‌های آمریکا استقبال کرد که حاصل آن یافته‌ها به نوشتن مقاله‌ای دیگر و همینطور به ویرایش کتابی با همکاری ماریا دل مار (María del Mar)، لوگرونو ناربونا (Logroño Narbona) و پائولو پینتو (Paulo Pinto) کمک کرد. در حال حاضر که در دانشگاه ایلینویز هستم گرچه به ترسیم مطالعات منطقه و قومیت ادامه داده‌ام، اما تعهد به خدمات داخل دانشگاهی، گاهی حفظ ارتباط با دانشمندان و شبکه‌های نوظهور در سراسر جهان را دشوار می‌کند. به همین دلیل، برای این فرصت ارتباطی که در خبرنامه LACISA به من ارائه شده است بسیار سپاسگزارم.

چیت وود : واضح است که شما بوسیله عنوان کتاب و اصطلاح "سرنوشت چندگانه"، عقاید نهفته در عبارت معروف به "سرنوشت بارز" (Manifest Destiny) را به بازی گرفته اید. ممکن است کمی بیشتر درباره آن توضیح دهید. به عبارت بهتر چگونه این عنوان عبور سلامت اعراب در میان رژیم قدرت‌های سیاسی مختلف و دسیسه‌ها و تباری‌های امپریالیستی در نیمکره آمریکا را نشان می‌دهد؟

توفیق کرم: در واقع یک کتاب آشپزی با عنوان "سرنوشت چندگانه" وجود دارد که استفاده از موتور ماشین برای آشپزی در جاده را آموزش می‌دهد. اما من از این عنوان برای قصدی کاملاً مجزا از آن کتاب استفاده کرده‌ام. من از عبارت "سرنوشت چندگانه" برای اشاره به "بسیاری" از رژیم‌های استثنایی حکمرانی استفاده می‌کنم که اعراب مسلمان با آنها آمیخته‌اند. در اصل، مرز سه‌گانه بین برزیل، پاراگوئه و آرژانتین همان چیزی است که معمولاً انگلیسی‌ها آنرا چهارراه نیمکره ای می‌نامند و بخاطر آبشار و لوازم الکترونیک ارزان شهرت تاریخی دارد. اگر کسی عبارت، "مسلمانان در منطقه سه مرزی" یا "اعراب در مرز سه‌گانه" را در گوگل جستجو کند، با مطالب توطئه آمیز متعددی در مورد وجود تهدیدات نیمکره ای، ستون پنجم با تعصب شدید و بیگانه‌ها مواجه می‌شود. در حالیکه اعراب و مسلمانان بعکس آنچه گفته می‌شود خارجی یا حتی مخالف روابط آمریکا و آمریکای لاتین نبوده‌اند. بلکه اتفاقاً در سیاست‌های دولت‌های متعدد اعم از نگاه به شرق، شمال، جنوب و غرب در این نیمکره استعماری وارد شده و خدمت کرده‌اند. کتاب من به همان اندازه که در مورد تجارت و کنشگری فرامرزی اعراب مسلمان در مرز سه‌گانه است، در مورد عملکرد قدرت‌های دولتی منطقه هم هست که فعالیت‌های اعراب ساکن را مورد حمله قرار داده و یا تسهیل کرده‌اند.

اعراب مسلمان شبکه‌های تجاری و مدنی خود را بسیج کردند تا نقش محوری ایدئولوژی‌های توسعه طلبانه ایالات‌متحده آمریکا، از جمله سیاست‌های ملهم از اعتقاد به "سرنوشت بارز" و همچنین ترز مرزی ترنر (Turner) که مورد نقد شما هم بود را خنثی کنند. آنها علیرغم گسترش سیاست غرب محور برزیل در "پیش بسوی غرب" (marcha para o oeste) و سیاست شرق گرایانه پاراگوئه در پیش بسوی شرق (marcha para este) از مرزها گذشته‌اند. برای دهه‌ها اعراب مسلمان در دل بسیاری از دیدگاه‌های توسعه طلبانه دولت‌ها کنشگری کرده‌اند. این کنشگری، به روش‌هایی سهوی یا عمدی، در ایالات‌متحده نادیده گرفته می‌شود. دانشی که کتاب من تولید کرده است در مقابل نوع دانش کاذبی (spurious scholarship) است که بقول ادوارد سعید باعث تفوق اسرائیل در سطح جهان شده است. کتاب من نشان می‌دهد که اعراب مسلمان نه تنها در خارج برنامه‌های استثنایی دولت‌ها نبوده‌اند بلکه در دل آنها نقش بازی کرده‌اند. تجارت مرزی اعراب مسلمان نه تنها به ظهور برزیل مستبد در برابر پاراگوئه زمانی که تحت سلطه آرژانتین بود کمک کرد بلکه اوامر ضد تروریستی مرکوسور و ایالات‌متحده را هم تسهیل کرد. این کتاب نشان می‌دهد که اعراب مسلمان "سرنوشت چندگانه" ای را در حکمرانی استثنایی گذشته و حال نیمکره تحقق می‌بخشند.

چیت وود: بنظر شما مطالعه جوامع عرب و/یا مسلمان در مرزهای آمریکا/ در سرزمین‌های مرزی آمریکا چه تحولی در بینش و دیدگاه ما ایجاد می‌کند؟

توفیق کرم: اعراب مسلمان همزمان حضور جغرافیایی، تاریخی و مجازی در مرزها دارند. از نظر جغرافیایی تجارت و فعالیت آنها از مرزی عبور می‌کند که برزیل پرتغالی با پاراگوئه و آرژانتین اسپانیایی بهم می‌رسند. این نقطه جایی است که زبان بومی گوارانی ماندگار شده و میراث آن بواسطه معاهده تورسیلیا (Tordesilhas) یعنی معاهده ای که بارتولمه بنارس (Bennassar Bartolome) آن را "اولین تقسیم جهان" خواند، جا افتاده است. عبور فعالیت اعراب از مرزهای این کشورها نه به عنوان مداخله‌گران خارجی، بلکه به‌عنوان افراد خودی و هموطن، گواه تغییر ژئوپلیتیک بین برزیل، پاراگوئه و آرژانتین و همچنین مرکوسور و ایالات متحده است. تجارت، صادرات/واردات و سازماندهی مدنی آنها از یکطرف حکایت از نفوذ برزیل بر پاراگوئه ای دارد که سابقاً تحت سلطه آرژانتین بود و از طرف دیگر نفوذ بر منطقه مشترک بین مرکوسور و ایالات متحده را نشان می‌دهد. به طور خلاصه، اعراب مسلمان یک نیمکره مرزی ساخته اند که چندین دولت برای نفوذ در آن با هم رقابت می‌کنند.

از نظر تاریخی، در چهارراهی که اعراب مسلمان زندگی می‌کنند قبلاً نظام‌های اقتدارگرا حضور داشتند و امروز نظام‌های ضد تروریسم در این نیمکره مشترک آمریکایی جای آنها را گرفته‌اند. این دو دوره را هرگز نمی‌توان در چارچوب یکسانی تحلیل کرد اما مسلمانان این دو دوره زمانی را بعنوان دو شکل پی در پی حکمرانی استثنایی در این مرز نیمکره‌ای تجربه کرده‌اند. اتهام تروریسم در بسیاری از مناطق آمریکای جنوبی سابقه اقتدارگرایانه دارد اما قبلاً علیه مسلمانان و یا اعراب بکار برده نمی‌شد. بلکه این لفظ بر کسانی اطلاق می‌شد که بنظر می‌رسید وضعیت موجود را زیر سوال می‌بردند. زمانیکه رژیم‌های نظامی مستبدی در برزیل (1964-1985)، پاراگوئه (1955-1989) و آرژانتین (1976-1980)، حاکم بودند، اعراب مسلمان انجمن‌های مدنی و کسب و کارهایی را تأسیس کردند که استبداد حاکم در مرز سه‌گانه را در آن منطقه همساز و تعدیل می‌کرد. اما هنگامیکه در طول دهه 1980 و 1990 کشورهای این قاره در روند دموکراسی پیش رفتند، دموکرات‌های عضو دولت‌های پسااقتدارگرای مرکوسور و ایالات متحده برخلاف تصور، بجای استقبال از حق مشارکت این شهروندان فعال، آنها را با افزایش روزافزون تجسس‌های ضد تروریستی روبرو ساختند. فراتر از آن، پس از حملات به سفارت اسرائیل در بوئنوس آیرس (1992)، و مرکز اجتماعی AMIA، در سال (1994)، که هنوز هم در حاله‌ای از ابهام است و از همه مهمتر پس از حملات 11 سپتامبر در ایالات متحده (2001)، دولت‌های منطقه، اعراب مسلمان را بارها و بارها مورد بازجویی قرار دادند و هرگز آنها را تیرئه نکردند. کتاب من، تجربه اعراب مسلمان یا شاهدان این داستان حکمرانی استثنایی از دوره اقتدارگرایی در گذشته تا دوره ضد تروریستی کنونی را می‌پوشاند.

وضعیت اعراب مسلمان گواهی بر ضعف آرمان‌های دموکراتیک در این نیمکره است. اگرچه اعراب در برابر سیاست‌های ظاهراً گذار به دموکراسی جز سکوت کاری نکرده‌اند اما وضعیت آنها در مرزهای سه‌گانه هنوز بیانگر وجود سیاست‌های غیرلیبرال در این نیمکره است. آنها شاهد قوس سیاسی این نیمکره از اقدامات خارق‌العاده‌ای هستند که برای مدت نامحدودی توسط دولت‌ها اعمال می‌شود. آنچه امروز متخصصان تحت عنوان عقب‌نشینی دموکراسی می‌شناسند، پدیده‌ای است که اعراب مسلمان در بیش از شش دهه حکمرانی استثنایی آنرا زندگی کرده‌اند.

چیت وود: به نظر من، کار شما بخشی از زمینه کار بزرگتری در قاره آمریکا است که مدل‌های مرکز-پیرامون را زیر سؤال می‌برد و سیاست‌های مبتنی بر منطقه‌ای سازی، تعریف و مقیاس‌های عالمانه سیاسی درباره محلات، قومیت‌ها، زبان‌ها، ادیان و فرهنگ‌ها که از دیرباز بر رشته‌های مختلف علمی تسلط داشته‌اند را مورد سوال قرار می‌دهد. ممکن است بفرمایید چگونه جریان‌ها، وابستگی متقابل گفتگویی که محدوده تجربه عربی/مسلمان را معین می‌کنند را میان دو دوره مدرن و پست مدرن برجسته کردید؟

توفیق کرم: بررسی روندهای مهاجرت مسلمانان و عرب‌ها خود بازگو کننده داستان در سراسر آمریکا یا "اینجا" و خاورمیانه، کشورهای با اکثریت مسلمان و شمال آفریقا یا "آنجا" است. همانگونه که خوان پوبلته (Juan Poblete) در نقد خود گفته است با حذف اروپا و ایالات متحده از مطالعات منطقه‌ای، ما قادر هستیم ارتباطات و ناپیوستگی‌هایی را در جهان ببینیم که تا کنون مورد توجه کافی نبوده است. در کتاب عربستانی دیگر (Arabesque Another)، نشان داده‌ام که چگونه اعراب مهاجر به شناخت بزرگی دست یافتند و بگونه‌ای در دنیای نئولیبرال، ملت سازی را در برزیل برانگیختند. پدیده‌ای که نه از کلان‌شهرهای اروپایی-آمریکایی کاملاً مجزا است و نه از آنها مشتق می‌شود. در کتاب سرنوشت چندگانه به چگونگی کنار آمدن اعراب با رژیم‌های اقتدارگرای قدیم و ضد تروریستی جدید از طریق تجارت و فعالیت فرامرزی پرداختم در عین اینکه محرومیت آنها از مشارکت کامل دموکراتیک در فضای استعمارگرانه اروپایی - آمریکایی حاکم را هم نشان داده‌ام. در کتاب هلال در افقی دیگر (Crescent Over Another Horizon) ما آنچه را آرجون آپادورای (Arjun Appadurai) "معماری جدید برای مطالعات منطقه" نامیده توسعه دادیم. یعنی اینکه "توانایی تصور مناطق و جهانها... پدیده‌ای جهانی شده است". بهر صورت، خاورمیانه و به طور کلی‌تر بررسی مسلمانان مهاجر بیانگر امکانات جایگزین برای جهانی است که در حال جهانی شدن است.

با الهام از اریک ولف (Eric Wolf)، ژان کوماروف (Jean Comaroff) و دیگران در انسان‌شناسی تاریخی، در کتاب‌هایم به بررسی فعالیت مهاجران خاورمیانه در ساخت اقتصاد و سیاست آمریکای لاتین پرداخته‌ام. تجارب اعراب و مسلمانان بیانگر کثرت بزرگتری از فرهنگ و اقتصادهای سیاسی جهانی است که اگرچه با قدرت اروپایی-آمریکایی درگیر است اما فراتر از آنها می‌رود. این یعنی در روندی معکوس بحث رابه تمرکز بر پیرامون کشاندم تا بحث‌های کنونی بر روی مرکز را به حاشیه ببرم. در خصوص مرادوات اعراب مسلمان در مرزهای برزیل، پاراگوئه و آرژانتین، هم بحثم به این معنی است که ببینیم تجارت و فعالیت آنها چگونه ژئوپلیتیک آمریکای جنوبی را تغییر داده و چطور ایالات متحده را بعنوان یکی از قدرت‌های صاحب منفعت در نیمکره به حاشیه رانده است.

اگر بخواهم جایگاه کار آکادمیک خود را از نظر تبارشناسی علمی تعیین کنم، خودم را پیرو اریک ولف می‌دانم. من شانس آن را داشتم تا از شاگرد او مرحوم جان بوردیک (John Burdick) درس بیاموزم که به مطالعه نژاد و مذهب در برزیل پرداخته است. بنظر آنسنگ هونس (Engseng Honce) اریک ولف اصلاحات در انسان‌شناسی را شروع کرد اما اصلاح "حفره‌های بزرگ دردانش انسان‌شناختی" را به پایان نبرد. حفره‌هایی که حامی معرفت درباره مردمانی که تاریخ آنها انکار شده نیست. یکی از این شکاف‌های معرفتی، تاریخ اعراب و مسلمانان در آمریکای لاتین و کارائیب است.

چیت وود: تحلیل شما مربوط به بالا و پایین نیمکره آمریکایی، آن سوی اقیانوس اطلس، در سراسر و بین سه مرز است. چطور می‌توان این تحلیل را به مکان دیگر و جوامع عرب/مسلمان دیگر در قاره آمریکا تعمیم داد؟

توفیق کرم: مطالعات فراملی یا فرامنطقه‌ای در علوم انسانی و اجتماعی اغلب اروپا یا ایالات متحده را به عنوان نقطه شروع یا پایان در مرکز قرار می‌دهد. اما من در سرنوشت چندگانه پیشنهاد می‌کنم و رای پروژۀ های عرب فراملی حرکت کنیم. همانطور که رای فرا آمریکایی بعنوان مقیاس تحلیل نیمکره‌ای عمل می‌کنیم. به عبارت دیگر می‌پرسم رویکرد عرب مسلمان فراملی به قاره آمریکاجطور است؟ همانطور که اندرو آرسان (Andrew Arsan)، اکرم خاطر (AKram Khater) و خودم در مجله مشرق و مهاجر (Mashriq & Mhhjar Journal) نوشته ایم بر روی فهمی از "خاورمیانه" به عنوان مجموعه‌ای از شبکه‌هایی تکیه می‌کنم که مردم، اشیاء، مکان‌ها و روش‌های کاربری متصل می‌کنند.

من در اینجا می‌خواهم توصیه اخیر مورخ سارا گوالتییری (Sarah Gualtieri) درباره راه اندازی مطالعات عرب-آمریکایی را تکرار کنم که می‌توان به آن مطالعات مسلمان-آمریکایی را هم با وام گرفتن از مطالعات آمریکای لاتین اضافه کرد. البته همانطور که والتر میگنولو (Walter Mignolo) نوشته است آمریکای لاتین یک منطقه نیست، یک چشم انداز است. بنابراین همانطوری که آثار آمریکایی بطور فزاینده‌ای به سمت جنوب و فراتر از ریو براوو (Rio Bravo)/ریو گراند (Rio Grande) یا استرچو دلا فلوریدا (Estrecho de la Florida) یا فلوریدا متمرکز می‌شود، موقعیت خوبی برای اعضای LACISA است تا در این طراحی مجدد مطالعات منطقه و قومی مشارکت کنند. به دنبال دعوت سارا گوالتییری، ممکن است دیگری هم به مطالعه شبکه‌های مسلمان عرب که فراتر از مرزهای ایالات متحده رفته مایل باشند و از کار ما در برابر آگیری ملی ایالات متحده محافظت کنند.

چیت وود: چه نوع از فعالیتهای انسان‌دوستانه یا مشارکت مدنی که در جوامع مورد مطالعه دیده‌اید را در کنفرانس گفتگو در مورد بشردوستی مسلمانان (Colloquium on Muslim Philanthropy)، گزارش خواهید کرد؟ اثر مثبت یا منفی این تلاش‌های بشردوستانه در کنار آمدن با "حاکمیت استثنایی" که ذکر کردید چه بوده است؟

توفیق کرم: عنوان مقاله‌ای که قصد ارائه آن را در کنفرانس دارم "احسان مسلمانان در چهارراه نیمکره‌ای نظام اقتدارگرا و ضد تروریست" است. گزارش می‌کنم که جمع آوری کمک‌های مالی جامعه عرب مسلمان در مرز بین برزیل، پاراگوئه و آرژانتین با تغییر قواعد ویژه رها یا به تعلیق درآمده است. به عبارت بهتر آنچه تقریباً برای هر گروه دیگری در جامعه مدنی حق شهروندی است برای اعراب مسلمان بصورت لطفی محسوب می‌شود که از جانب دولت‌های خودکامه اعطا شده و توسط نظام‌های ضد تروریست گرفته می‌شود. توضیح خواهم داد که چگونه اعاناتی که اعراب مسلمان برای ساختن مسجد در دوره دولت اقتدارگرا جمع آوری کردند، در دوران پسا استبدادی مورد سوء ظن دموکرات‌های ضد تروریست امروزی قرار گرفت. به ویژه امروز، مسلمانان عرب در مرز، قبل از هر گونه کمک مالی از ترس اتهام به جمع آوری کمک مالی برای گروه‌های تروریستی محتاط شده‌اند. من بسیار مشتاق دیدار با سخنرانان و شرکت کنندگان دیگر در کنفرانس هستم. من فکر می‌کنم این کنفرانس نتیجه فعالیت‌های شبکه

سازی LACISA با بخش مطالعات آمریکای لاتین و کاراییب دانشگاه آزاد برلین و ابتکار عمل بشردوستی مسلمانان دانشگاه ایندیانا ست.

چیت وود: آیا مطلب دیگری هست که بخواهید در مورد کار خود اضافه کنید؟

من می‌خواهم بگویم که حجم عظیمی از تحقیقات هنوز باید انجام شود، و توسعه رشته‌های ما بیشتر به دانشمندان تازه بستگی دارد که به تازگی تحصیلات تکمیلی خود را آغاز کرده‌اند، یا در حال اتمام کارشناسی ارشد و دکترای خود هستند، یا اخیراً مدرک دکتری اخذ کرده‌اند. من می‌خواهم به آنها بگویم که دلگرم باشید، و هر وقت احساس دلسردی کردید، به یاد داشته باشید که هیچ چیز بدون کار شما تغییر نخواهد کرد. حدود بیست سال پیش وقتی پایان نامه‌ام را تمام می‌کردم، می‌ترسیدم که شاید منتشر نشود و یا بی کار بمانم زیرا کارم بخصوص در دانشگاهی از ایالات متحده که تمرکزی بر خاورمیانه، مسلمان، یا حوالی شمال آفریقا نداشت و تمایل داشت که مطالعات آمریکای لاتین، کارائیب و لاتینی‌های آمریکا را هم محدود کند، بنحوی خارج از حوزه محسوب می‌شد. بنظرم این وضعیت در حال تغییر است، اما همه چیز به کار دانشمندان جوان‌تر بستگی دارد و اینکه حرفه‌های فکری آنها چگونه باشد.

چیت وود: آینده تحقیقات شما چیست؟

توفیق کرم: فعلاً بر روی چند کتاب کار می‌کنم که از میان آنها "اعراب آمریکایی در اسپانیا و پرتغال: مرز باز" (Arab American in Spanish and Portuguese) از همه بیشتر جلو رفته است. این کتاب متون عربی اعم از صدا، چاپی، و متن‌های تصویری که از اصل انگلیسی ترجمه شده و تحت عنوان *árabes* (عرب‌ها) به زبان اسپانیایی و پرتغالی مورد استفاده است را بررسی می‌کند. این گذر فرهنگی و ادیبانه در مهاجرت در چند زبان مبین پدیده‌ای است که من آنرا عرب آمریکایی می‌نامم. با تکیه بر نظرمیشل رولف تروپو (Michel- Rolph Trouillot) در باره تولید دانش در مورد کارائیب، موضوع مهاجرت را تحت عنوان "مرز باز" مورد باز اندیشی قرار می‌دهم. چگونگی همگرایی و واگرایی اعراب (*árabes*) در مرز با ایالات متحده را بررسی می‌کنم. بر اساس پژوهش‌های آرشویوی، قوم‌نگاری، و ادبی که در آرژانتین، برزیل، شیلی، کاستاریکا، کوبا، جمهوری دومینیک، مکزیک و اروگوئه در حال انجام است، تمرکز این کتاب بر تولید فرهنگی و فکری *árabes* که هم‌تایان عرب و دیگران را در آمریکا درگیر و در عین حال گیج می‌کند، خواهد بود. مطالعه مرزهای واگرایی و همگرایی میان اعراب و آمریکاییان جهتی فراملی به مطالعات عرب-آمریکایی می‌دهد که والتر میگنولو (Walter Mignolo) آنرا "ایده آمریکای لاتین" می‌نامد. سه تا از فصل‌های کتاب برگرفته از مقالات و ارائه‌های گذشته من است. در حال حاضر در حال تحقیق و بسط سایر ارائه‌های گذشته‌ام برای سه فصل دیگر کتاب هستم.